

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محمد محق

۰۸ دسمبر ۲۰۲۲



محمد محق

## افغانستان، دیالکتیک مکتب و مدرسه

بخشی از تشنجهای موجود در افغانستان را صاحب‌نظران زیر عنوان تقابل سنت و مدرنیته دسته‌بندی می‌کنند. یکی از درشت‌ترین مظاهر رو در روئی سنت و مدرنیته ناسازواری دو نهاد آموزشی و تقابل فارغان آن‌ها بوده است، نهاد آموزشی مدرن زیر نام مکتب و نهاد آموزشی سنتی زیر نام مدرسه. مراد از سنت مجموعه اعتقادات، ارزش‌ها، عادت‌ها، عرف‌ها و رسم و رواج‌هایی است که از زمانه‌های دور، از روزگار پیشامدرن، به میراث مانده است. نهادهای مختلفی از سنت نمایندگی می‌کنند و یا خود را پاسدار حریم آن می‌دانند و در میان آن‌ها مدارس دینی کلاسیک نقش مرکزی و رهبری کننده دارند. این مدارس افزون بر افغانستان در دیگر کشورها نیز به ویژه در پاکستان و شبه قاره هند، از نفوذ بالائی برخوردار بوده‌اند. این مدارس در جهان تشیع به نام حوزه‌های علمیه شناخته می‌شوند که مهم ترین آن‌ها در نجف و قم قرار دارند. در جهان عرب نهادهای آموزشی مشهوری مانند الازهر، الزيتونه، القرویین و نظایر آن‌ها کم و بیش در همین دسته‌بندی قرار می‌گیرند.

از روزگاری که آشنائی با جهان مدرن آغاز یافت و بخشی از نخبگان کشورهای مسلمان به فراگیری دانش‌های مدرن غربی روی آوردند، هراس از آسیب دیدن هویت شرقی-اسلامی نیز متولد گردید. نهادهای سنتی به سرعت وارد عمل شدند تا در برابر تحولات مدرن صف‌آرایی کنند. در آغاز هر گونه فرآورده‌های جهان مدرن، حتی پخش قرآن از رادیو و یا اذان از بلندگو را حرام می‌دانستند. به مرور زمان خط اول این مقاومت در هم شکست و به سطح استفاده از ابزار مدرن عقب‌نشینی صورت گرفت، اما مقاومت در برابر دانش‌های مدرن به شمول علوم طبیعی مانند کیمیا و بیولوژی ادامه یافت. رفته رفته دیده شد که بدون این دانش‌ها زندگی در جهان امروز ممکن نیست، و در نتیجه خط دوم مقاومت نیز شکست و سنگربندی به مرزهای علوم انسانی و اجتماعی رسید. بخشی از مدارس دینی در اثر فشار حکومت‌ها، به ویژه در جهان عرب، به نوعی از اصلاحات تن دادند و با مدرنیته تا حدی کنار آمدند. تقابل سنت و مدرنیته اما همواره به شکل مسالمت‌آمیز به پیش نرفت، و گاهی نخبگان سیاسی پروژه‌های مدرن را با قوه قهریه به پیش بردند، به ویژه در

ترکیه کمالی، افغانستان امانی، ایران پهلوی، هند بریتانیایی و مناطقی دیگر. از آن سو نیروهای مدافع سنت نیز در جایی که شرایط برای شان اجازه داد به واکنش خشن روی آوردند در افغانستان مثلاً قیام ملای لنگ، جهاد در برابر "نظام کمونیستی"، و سپس ظهور طالبان در صحنه سیاسی کشور.

قطب‌بندی سنتی و مدرن در یک قرن گذشته بخشی از توان گروه‌های سیاسی و اجتماعی را استهلاک کرده و افغانستان هنوز در این گرداب دست و پا می‌زند. این روزها که طالبان بر کشور مسلط شده‌اند مدرنیته به ویژه در عرصه آموزش زیر فشار سنتی‌ها به نفس نفس افتاده است. مردم از سلطه ملاها بر همه مقدرات شان به ستوه می‌آیند و خشمی گسترده در تار و پود جامعه پخش می‌شود. بدون شک از تقابل و درگیری به جایی نخواهیم رسید، و بهتر است که راهی به آشتی ملا و مکتبی یا کنار آمدن مدرسه و مکتب گشوده شود. برای این کار به اقدامات فراوانی نیاز است، و یکی از اولین گام‌ها این است که اهالی مدرسه از ادعای رهبری انحصاری جامعه دست بکشند و عرصه عمومی را برای عموم باز بگذارند. اگر چنین چیزی اتفاق نیفتد، خشم فزاینده مردم، جامعه را به سوی درگیری‌های خونین دیگری پیش خواهد راند و تکرار تجربه به دار کشیدن کشیشان در انقلاب کبیر فرانسه را محتمل خواهد ساخت، که قطعاً برای هیچ یک از طرف‌ها خوب نیست. بیم آن وجود دارد که گروه‌های مردمی برای کشتن ملاها و حمله بر مدرسه‌ها شکل بگیرد و موج جدیدی از خشونت دامن‌گیر این جامعه شود.